

نادیده انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی

نگاهی به رمان «نیروی اهریمنی‌اش» اثر فیلیپ پولمن

مریم سراجیان تهرانی

چکیده: مقاله حاضر، به بررسی جزییات عنصر «ایجاد شگفتی در خواننده، به علت نادیده انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی از سوی شخصیت‌های داستان»^۱، از دیدگاه نظریه پرداز معاصر، برایان مک هیل^۲ می‌پردازد که در کتاب رمان پسامدرن،^۳ به عنوان ویژگی مشترک رمان‌های فانتزی^۴ علمی-تخیلی^۵ و پسامدرن^۶ معرفی شده است. ابتدا مفهوم این عنصر و چگونگی پیدایش آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و سپس با توجه به چشم انداز ایجاد شده، به خوانش سه گانه نیروی اهریمنی‌اش،^۷ اثر فیلیپ پولمن،^۸ از منظر این عنصر پرداخته می‌شود. در پایان نیز نتایج این شیوه خاص نگرش به متن، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«نادیده‌نگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» از ویژگی‌های مشترک داستان‌های سه نوع ادبی فانتزی، علمی-تخیلی و پسامدرن است. این اصطلاح برای اولین بار، توسط برایان مک هیل، در «رمان پسامدرن»، به عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک بسیار مهم این سه‌گونه ادبی معرفی شده است. وی این عبارت را «عدم توانایی شگفت‌زده شدن شخصیت‌های داستان هنگام روبه‌رویی با پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی [می‌داند] که به بروز حس شگفت‌زدگی مضاعف در ما [به عنوان خوانندگان اثر] منجر می‌شود.»^{۱۰} (ص ۷۶)

در گونه‌هایی از رمان که ابتدا نام برده شد، خواننده با دنیاهایی در ارتباط است که تلفیقی از حقیقی و غیر حقیقی هستند. خواننده که به دنیای واقعی تعلق دارد، دنیایی که به گفته کورنیا^{۱۱} «ساخته شده رسانه‌ها و روایت‌ها» (ص ۴) است، متن را بر اساس درک خود از مفاهیم «حقیقی» و «غیر حقیقی» می‌خواند. در نتیجه، اگر شخصیت داستان قادر به لمس غیر حقیقی بودن پدیده غیر واقعی نباشد و آن را عادی انگارد، خواننده حس شگفتی عظیمی را تجربه می‌کند.

بد نیست توضیح دهیم که پذیرش حوادث غیر حقیقی به عنوان حقیقت، هرچند برای اولین بار در ارتباط با داستان‌های پسامدرن این‌گونه مطرح شد، اما سابقه دیرینه‌تری دارد که بخشی از آن را می‌توان در ادبیات گوتیک^{۱۲} یافت و بخش بیشتری را می‌توان حاصل مکتب ادبی اکسپرسیونیسم^{۱۳} دانست.

نویسندگان اکسپرسیونیست^{۱۴}، آن‌گونه که گل^{۱۵} در کتاب جنبش‌های ادبی برای دانشجویان^{۱۶} مطرح می‌کند، از سمبولیسم^{۱۷} و عناصر خیال‌گونه در آثارشان، به منظور کمک به ایجاد فضای غیر منطبق با دنیای غیرواقعی استفاده می‌کردند. این نویسندگان، به گفته دکتر منوچهر حقیقی، «در زندگی و هنرشان بر ضد اولویت‌ها و نرم‌های جامعه و «عقل سلیم» برپا خاستند» (ص ۲۰۹) و استفاده از گروتسک^{۱۸} و عناصر غیرواقعی، از ویژگی‌های مهم آثارشان به حساب می‌آید. علاوه بر این، فرح یگانه فانتزی^{۱۹} و اغراق^{۲۰} را نیز به این خصوصیت‌ها اضافه می‌کند. بنابراین، امکان آن وجود دارد که عنصر «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» را صورت تکامل یافته ویژگی‌های مورد توجه نویسندگان اکسپرسیونیست دانست؛ مکتبی که خود، در واکنش به رئالیسم^{۲۱} به وجود آمده بود. در آثار ادبی این سبک، دیده می‌شود که شخصیت‌های داستان، هنگام مواجه شدن با حوادث غیر واقعی، رفتاری طبیعی دارند؛ به گونه‌ای که گویی آن اتفاقات را به عنوان جزئی از زندگی خود پذیرفته‌اند.

به عنوان مثال، در مسخ^{۲۲} اثر فرانتس کافکا^{۲۳} که به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های داستان‌های اکسپرسیونیستی شناخته می‌شود، گریگور^{۲۴} صبح پس از برخاستن از خواب، متوجه می‌شود به حشره‌ای عظیم‌الجثه تبدیل شده است. در این لحظه، خواننده با دیدن اتفاقی که با زندگی واقعی مطابقت ندارد، دچار تردید^{۲۵} بین دنیای واقعی و غیر واقعی می‌گردد و انتظار دارد بازتاب این پدیده غیر منتظره و غیر واقعی را در سایر شخصیت‌های داستان نیز مشاهده کند. اما آن‌چه در داستان اتفاق می‌افتد، خلاف این انتظار است: خانواده گریگور با وجود این‌که از حضور حشره‌ای نفرت‌انگیز در خانه خوشحال نیستند، پس از دیدن وی در هیئت جدید، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی اتفاقی رخ نداده است. مشاهده این بی‌تفاوتی در شخصیت‌های داستان، در زمینه پذیرش تغییری چنین ناممکن، تعجب خواننده را افزایش می‌دهد و حس ایجاد شده در خواننده بسیار شبیه آن چیزی است که بر این مک‌هیل، در رمان پسامدرن، از آن به عنوان شگفت‌زدگی حاصل از «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» یاد می‌کند.

خواننده سه‌گانه نیروی اهریمنی‌اش، اولین شگفت‌زدگی حاصل از «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» را از همان ابتدای داستان تجربه می‌کند. لایرا^{۲۶} اولین شخصیت داستان است که به خواننده معرفی می‌شود. خواننده او را در حالی مشاهده می‌کند که با «شیتان»^{۲۷} خود صحبت می‌کند؛ موجودی که به شکل حیوان‌های مختلف در می‌آید و همواره با او همراه است. خواننده که با این پدیده غیر طبیعی روبرو شده است، پس از دیدن سایر شخصیت‌های داستان، متوجه می‌شود که تمام انسان‌های دنیای لایرا با خود شیتان دارند و این پدیده غیر واقعی، هیچ‌گونه حس تعجبی را در آن‌ها بر نمی‌انگیزد. به عبارت دیگر، انسان‌های دنیای لایرا، وجود شیتان‌ها - موجوداتی که در کودکان به شکل‌های مختلف در می‌آیند، در نوجوانان نزدیک به سن بلوغ به سختی تغییر شکل می‌دهند و در افراد بالغ به شکل ثابتی باقی می‌مانند - را به عنوان پدیده‌ای طبیعی پذیرفته‌اند؛ گویی داشتن شیتان، جزء لاینفکی از دنیای واقعی آن‌هاست. از آن‌جا که این پدیده و تمام ابعاد آن، از نظر خواننده اثر به دنیای غیر واقعی تعلق دارند، عادی‌انگاری آن به وسیله شخصیت‌های داستان، تعجب عظیمی در او بر نمی‌انگیزد که حاصل عنصر «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» از سوی شخصیت‌های داستان است.

از سوی دیگر، حس شگفت‌زدگی خواننده، بار دیگر هنگامی تشدید می‌شود که به دنبال چگونگی تولد این شیتان‌ها می‌گردد و پاسخی نمی‌یابد. در حقیقت، این نکته که شخصیت‌های داستان، حضور شیتان‌ها را در دنیای خود به عنوان یک حقیقت پذیرفته‌اند و سؤالی نیز درباره چگونگی به وجود آمدن آن‌ها ندارند، تعجب خواننده افزایش را می‌دهد.

با در نظر گرفتن تعابیر مختلفی از شیتان‌ها نیز می‌توان بار دیگر عنصر «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» را مشاهده کرد. بنابر شواهدی که در متن داستان وجود دارد، شیتان‌ها به عنوان «روح»^{۲۸} شخصیت‌های دنیای لایرا شناخته می‌شوند. لنز^{۲۹} در کتاب دنیاهای متفاوت، در داستان‌های فانتزی^{۳۰} می‌گوید که شیتان‌ها، «روح» شخصیت‌های داستان هستند که به شکل حیوان [دیده می‌شوند].» (ص ۱۳۸) اسکویئرز^{۳۱} معتقد است که آن‌ها روح جاندار نمای^{۳۲} شخصیت‌های نیروی اهریمنی‌اش هستند و اکیف^{۳۳} نیز از آن‌ها به عنوان «نمود بیرونی روح در قالب حیوان» (ص ۱۹۹) یاد می‌کند. اما این مسئله که روح انسان به صورت ماده و بیرون از جسم فیزیکی او، قابل دیدن باشد، پدیده‌ای غیر حقیقی است و نادیده‌انگاشتن آن توسط شخصیت‌های داستان، خواننده را به طور عمیق شگفت‌زده می‌کند.

گروه دیگری از منتقدین نیز از شیتان‌ها به عنوان ناخودآگاه^{۳۴} خودآگاه^{۳۵} و روان^{۳۶} شخصیت‌های داستان تعبیر می‌کنند. از آن‌جا که در دنیای واقعی، امکان دیدن هیچ یک از آن‌ها وجود ندارد، این تعابیر نیز بر غیر واقعی بودن این موجودات تأکید دارند و پذیرش آن‌ها به عنوان جزئی از زندگی عادی توسط شخصیت‌های رمان، باعث تعجب بیشتر خواننده می‌شود.





نادیده‌انگاری
پدیده‌های غیر
منطبق با دنیای
واقعی» از
ویژگی‌های مشترک
داستان‌های سه نوع
ادبی فانتزی، علمی
- تخیلی و پسامدرن
است. این اصطلاح
برای اولین بار،
توسط برایان مک
هیل، در «رمان
پسامدرن»، به عنوان
یکی از ویژگی‌های
مشترک بسیار
مهم این سه‌گونه
ادبی معرفی شده
است. وی این
عبارت را «عدم
توانایی شگفت‌زده
شدن شخصیت‌های
داستان هنگام
روبه‌رویی با
پدیده‌های غیر
منطبق با دنیای
واقعی [می‌داند]
که به بروز حس
شگفت‌زدگی
مضاعف در ما [به
عنوان خوانندگان
اثر] منجر می‌شود

مسئله دیگری که در رمان نیروی اهریمنی‌اش خواننده را با دنیای غیر واقعی مواجه می‌کند، وجود دستگاهی به نام واقع نماست^{۳۷} که حقیقت را به کسی که بتواند نمادهای آن را تحلیل کند، اطلاع می‌دهد. واقع‌نما نیز همچون بسیاری دیگر از وسایل، در دنیای لایرا عادی شمرده می‌شود و شخصیت‌های داستان با پذیرش آن به عنوان جزئی از زندگی واقعی خود، خواننده را دچار شگفت‌زدگی حاصل از «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» می‌کنند.

جنبه دیگری از دنیای لایرا که در خواننده شگفت‌زدگی حاصل از «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» را ایجاد می‌کند، حضور خرس‌های زره پوش سفید است که در بسیاری از حوادث رمان نقش دارند. در حقیقت، خرس‌هایی که در دنیای واقعی در قطب زندگی می‌کنند و در فیلم‌های مستند با آن‌ها مواجه می‌شویم، خیلی شبیه یورک^{۳۸} و دوستانش هستند، ولی نه زره پوش هستند، نه سخنگو و نه قادر به خلق حوادثی شبیه آن‌چه در نیروی اهریمنی‌اش اتفاق می‌افتد. خرس‌های زره پوش دنیای لایرا، موجوداتی بسیار وفادار و باهوش هستند که زرهی ساخته شده از فلز آسمانی می‌پوشند و به نکات اخلاقی و رفتاری پایبندی نشان می‌دهند. حضور خرس‌های زره پوش و ویژگی‌های آن‌ها برای خواننده‌ای که در دنیای ما زندگی می‌کند، تنها می‌تواند در حیطة مسائل غیر واقعی جای بگیرد و عادی انگاشتن آن‌ها توسط شخصیت‌های این اثر، باعث بروز شگفت‌زدگی حاصل از «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» در خواننده می‌شود.

همچنین، حضور جادوگرانی چون سرافینا پکالا^{۳۹} نیز می‌تواند به عنوان پدیده غیر واقعی دیگری که در داستان نقش دارد، مورد بررسی قرار گیرد. این جادوگران که از اواسط جلد اول نیروی اهریمنی‌اش در حوادث داستان دخیل هستند، از نظر خواننده جزئی از دنیای غیر حقیقی به حساب می‌آیند، اما با کمال تعجب مشاهده می‌شود که این جادوگران و توانایی‌ای خارق‌العاده آن‌ها، هیچ تعجبی در شخصیت‌های سه‌گانه پولمن بر نمی‌انگیزد و همین امر، بار دیگر حس شگفت‌زدگی حاصل از «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» را در خواننده زنده می‌کند.

جلد اول سه‌گانه، سپیده شمالی،^{۴۰} با ورود لایرا و پدرش لرد عزریل^{۴۱} به دنیای جدید پایان می‌پذیرد. مفهوم سفر به دنیاهای دیگر نه تنها در این جلد، بلکه در جلد دوم و سوم مجموعه، به نام‌های خنجر ظریف^{۴۲} و دوربین کهربایی^{۴۳} نیز ادامه پیدا می‌کند. با ورود به جلد دوم مجموعه، با شخصیتی به نام ویل^{۴۴} مواجه می‌شویم که در دنیایی همانند دنیای ما واقعی زندگی می‌کند؛ دنیایی که در آن از شیتان‌ها خبری نیست. البته این حس ورود به دنیای واقعی دیری نمی‌پاید؛ زیرا با قدم گذاشتن ویل به دنیای جدید، از راه دریچه‌ای که آن را بین چمن‌ها کشف می‌کند، عنصر «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» بار دیگر وارد داستان و باعث اعجاب خواننده می‌شود. ویل بدون این که دلیل آن را بداند، مطمئن است دریچه او را به سوی دنیایی بهتر از دنیای خودش رهنمون خواهد شد. او به عنوان فردی که متعلق به دنیایی شبیه دنیای ماست، در روبارویی با این اتفاق عجیب و غیر واقعی، هیچ‌گونه عکس‌العمل خاصی از خود نشان نمی‌دهد و این مطلب، باعث شدت یافتن شگفت‌زدگی حاصل از «نادیده‌انگاری پدیده‌های غیر منطبق با دنیای واقعی» در خواننده می‌شود.

این روال تا پایان داستان، با آشنایی ویل و لایرا و سفر آن‌ها به دنیای دیگر، کشف خنجر ظریف که به کمک آن می‌توان به دنیاهای دیگر راه باز کرد، سفر به دیار مردگان و رها کردن ارواح مردگان در دنیای دیگر و نمونه‌هایی از این قبیل ادامه پیدا می‌کند.

به طور کلی، با بررسی سه‌گانه نیروی اهریمنی‌اش، نمونه‌های بسیاری از این عنصر در این اثر مشاهده می‌شود و با توجه به این که این ویژگی از مهم‌ترین خصوصیت‌های مشترک سه نوع ادبی فانتزی، علمی - تخیلی و پسامدرن است، می‌توان این رمان را به عنوان اثری که می‌تواند در هر سه گونه ادبی مطرح شده، قرار بگیرد، پذیرفت. از سویی دیگر، می‌توان قدرت خاص نویسنده را در به کارگیری این عنصر، را به طور پیوسته و طبیعی در رمان، به عنوان یکی از جنبه‌های قوت اثر در نظر گرفت.

پی‌نوشت:

22. Metamorphosis
23. Franz Kafka
24. Gregor
25. hesitation
26. Lyra
27. Dæmon
28. soul
29. Lenz
30. Alternative Worlds in Fantasy Fiction
31. Squires
32. personified
33. O'Keefe
34. unconscious
35. consciousness
36. psyche
37. Alethiometer ترجمه این نام از متن فارسی کتاب است.
38. Iorek
39. Serafina Pekkala
40. The Golden Compass/Northern Lights
41. Lord Asriel
42. The Subtle Knife
43. The Amber Spyglass
44. Will
1. banality
- ۲ - گفتنی است که این واژه در لغت، به معنای «مسئله پیش پا افتاده» است و شاید مفهومی که برایان مک هیل از آن اراده کرده، به سبب ارتباط با مفهوم لغوی این واژه نیز باشد.
3. Brian McHale
4. Postmodernist Fiction
5. fantasy fiction
6. science fiction
7. postmodern fiction
- ۸ His Dark Materials این اثر در فارسی، توسط فرزاد فرید، به این نام ترجمه و توسط نشر پنجره منتشر شده است.
9. Philip Pullman
- ۱۰ - ترجمه عبارات برگرفته شده از منابع انگلیسی، از نویسنده است.
11. Cornea
12. Gothic
13. Expressionism
14. Expressionist
15. Gal
16. Literary Movements for Students
17. Symbolism
18. Grotesque
19. fantasy
20. exaggeration
21. Realism

فهرست منابع فارسی

نیروی اهریمنی‌اش، فیلیپ پولمن، ترجمه فرزاد فرید، کتاب پنجره، چاپ اول ۱۳۸۵، مجموعه ۵ جلدی ۱۳۸۷

فهرست منابع انگلیسی

Cornea, Christine. Science Fiction Cinema: Between Fantasy and Reality. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2007.

Gal, David Ed. Literary Movements for students. India: The Gale Group, 2002: Volume II.

Haghighi, Manoochehr. Literary Schools for University Students. Tehran: Avaye Noor Publication Co. 7th Ed. 1386.

Hunt, Peter, and Millicent Lenz. Alternative Worlds in Fantasy Fiction. London: Continuum, 2001.

McHale, Brian. Postmodernist Fiction. London: Routledge, 1987.

O'Keefe, Deborah. Reader's in Wonderland: The Liberating Worlds of Fantasy Fiction. London: Continuum, 2003.

Pullman, Philip. His Dark Materials. New York: Dell Laurel-Leaf Books, 2007.

Squires, Claire. Philip Pullman, Master Story Teller: A Guide to The Worlds of His Dark Materials. London: Continuum, 2006.

Yeganeh, Farah. Literary Schools: A Reader. Tehran: Rahnama Publication, 2002.